

تجربه خشونت خانگی و عدم انگیزه برای رابطه عاطفی جدید

Photo: Maksim Toome/bigstockphoto.com

خانه امن: پاسخ‌های این قسمت به صورت عمومی و برای عرضه به گروه بزرگی از مخاطبان طراحی شده است و به هیچ‌وجه نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای خاص و شخصی افراد باشد. برای بررسی دقیق‌تر مشکلات، ما مشاوره‌های انفرادی را توصیه می‌کنیم، که از حوزه توانایی‌های خانه امن خارج است.

رزا خورشیدی، مشاور خانواده

پوشش: من 51 ساله هستم و سه فرزند دختر دارم که آخرین آنها را یک سال پیش شوهر دادم. همسرم وقتی بچه‌ها کوچک بودند تصادف کرد و فوت کرد. دختر کوچکم بعد از شش ماه عروسی با چشم گریان و بدن کبود شده به خانه برگشت و گفت که از همان شب اول عروسی کتک خورده است و دیگر طاقتش تمام شده است. از عموهایش کمک گرفتم و بعد از شش ماه به زور طلاقش را گرفتم. دخترم هم خیلی زیباست و هم تحصیل کرده و نجیب و با وجود مطلقه بودن خواستگاران خوبی دارد ولی حاضر نیست حتی در موردشان حرف بزند. می‌گویند به روح پدرش قسم خورده که تا آخر عمر ازدواج نکند. شبها در خواب جیغ می‌کشد. اوایل اصرار می‌کردم حالا فکر می‌کنم شاید حق داشته باشد. نظر شما چیست؟

پاسخ: دوست عزیز از سوال خیلی خوب شما متشکرم. خیلی متأسفم که دختر شما با وجود دارا بودن شرایطی که ذکر کردید، بدون تحقیق و بررسی‌های لازم با فرد نامناسبی ازدواج کرد. دردناک است که کتک شب اول عروسی و شش ماه متعاقب آن را تحمل کرده و به شما پناه نیاورده است. کسی را می‌شناسم که شب عروسی با همان لباس عروس با مشاهده چنین رفتاری از همسرش، به خانه پدرش بازگشته بود. کاش دختران و پسران خود را از کودکی جوری بار بیاوریم که نه ظلم بکنند و نه ظلم بپذیرند. کاش روابطی با آنها ایجاد کنیم که همیشه مشکلات خود را نزد ما بیاورند. باید دید علت شش ماه پنهان‌کاری دختر شما چه بوده است.

شبکه حمایت اجتماعی

چقدر خوب است که شما از برادران همسر مرحوم خود کمک گرفته‌اید. ایجاد یک شبکه حمایت اجتماعی و استفاده از آن، یک گام بسیار مهم در پیشگیری و مبارزه با خشونت خانگی است. متأسفانه خانواده‌ها اغلب از ترس «آبرو و حرف مردم» اینکار را نمی‌کنند. لازم نیست مشکل خشونت خانگی را به همه اعلام کنند. تنها باید از نزدیکان معتمد و کسانی که امکان حمایت از قربانی را دارند کمک گرفت. خوشحالم که شما با استفاده از شبکه حمایت خانوادگی حتی در زمانی که حلقه ارتباطی شما با آن شبکه یعنی همسر مرحومتان از بین رفته، توانستید دخترتان را نجات بدهید.

اختلال اضطراب پس‌ضربه‌ای

واکنش‌های دختران طبیعی است ولی نیاز به درمان دارد. آیا شما می‌دانید طی آن شش ماه چه بر او رفته است؟ شش ماه مداوم آزار دیدن، کتک خوردن در لباس عروسی مسائلی نیستند که انسان بتواند به سادگی از آنها عبور کند. علت جیغ کشیدن‌های شبانه او ابتلا به نوعی آسیب روحی به نام PTSD یا اختلال اضطراب پس‌ضربه‌ای است. او شب‌ها کابوس زندگی قبلی خود را می‌بیند و بی‌اختیار فریاد می‌کشد. این اختلال به خودی خود درمان نمی‌شود و نیاز به کمک تخصصی دارد. ابتدا او را نزد یک روانشناس بالینی با تجربه ببرید و اگر ایشان توصیه کرد به روانپزشک هم مراجعه کنید و به صورت پیگیر روند درمان دخترتان را دنبال کنید تا بهبودی حاصل شود.

واکنش هیجانی دختران در مورد ازدواج هم طبیعی است. البته مثل مورد فوق، این واکنش باید تعدیل و اصلاح شود. همسران قرار است و می‌بایست در مقابل تمام خطرات و ناامنی‌های دنیا یکدیگر را حمایت کنند. وقتی همسر کسی نه تنها حامی و پشتیبان او نیست، بلکه خود بزرگترین منبع تهدید، خطر و ناامنی است، تمام طرح‌واره‌های آن فرد در مورد روابط خانوادگی و زوجی به هم می‌ریزد. اگر این هیجانات زیر نظر متخصص مورد پردازش قرار نگیرند و اصلاح نشوند، در فرد ایجاد گرایش‌های افراطی مثل دختر شما می‌کنند.

آخرین تحقیقات علوم اعصاب و نتایج تصویربرداری‌های پیشرفته مغزی نشان داده است که انسان با یک نیاز نیرومند به پیوند عاطفی به دنیا می‌آید و تا پایان عمر این نیاز را حفظ می‌کند. پیشترها، زمانی که جان بالی نظریه دلبستگی را مطرح کرد، تصور بر این بود که این نیاز تنها مربوط به دوره کودکی است. ولی تحقیقات اخیر اثبات کرده است که انسان تا آخر عمر نیازمند وجود لاقول یک رابطه نزدیک، دائمی، و محبت‌آمیز در زندگی خود است. تنها شکل این نیاز و منبع رفع آن در مراحل مختلف زندگی متفاوت است. امیدوارم علاوه بر شما دخترتان هم این مطلب را بخواند و خودش اقدام به تحقیق کند. تصمیم ایشان مبنی بر ازدواج نکردن تا پایان عمر، نه تنها باعث آرامش ایشان نمی‌شود، بلکه مشکلات عدیده‌ای برایشان به وجود می‌آورد.

شانس موفقیت ازدواج دوم کمتر است

در پایان به شما توصیه می‌کنم که برای ازدواج دوم ایشان بسیار احتیاط کنید. آمارها نشان میدهد که شانس موفقیت ازدواج های دوم، مخصوصا اگر پای فرزند یا فرزندان در میان باشد به مراتب کمتر از ازدواج اول است. یک دلیل برای این مسئله عدم دقت کافی دو طرف هنگام انتخاب است. کم نیستند مواردی که خانم‌های مطلقه یا همسر از دست داده، با دیدن اولین خواستگار، گمان می‌کنند که به دلیل وضعیتشان، با تنها شانس زندگی خود مواجه شده اند و به هیچ قیمت نباید آنرا از دست بدهند! برای دختر شما آرزوی موفقیت میکنم